

رئیس جمهور سایه

محمداکرام اندیشمند

کرزی در مسکو با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه (چهارم سرطان 1394، 25 جون 2015) همچون رئیس جمهور برحال افغانستان ملاقات و مذاکره داشت. کرزی از حضور داعش در افغانستان سخن گفت و آن را پدیده متفاوت و بی ارتباط به افغانستان و خطری برای منطقه خواند. پوتین نیز با او هم باوری داشت و گفت که داعش در 25 ولایت افغانستان حضور دارد. کرزی به گونه آشکار و هر چند بدون ذکر نام، امریکا و غرب را متهم کرد که داعش را ایجاد کردند تا سایه های نفوذ سلطه خود را بر آسیای میانه و در واقع حیات خلوت قلمرو منافع روس ها بگسترانند. حامد کرزی که برای انجام یک سفر چهار روزه از کابل به مسکو رفته است، موضوع داعش، محور گفتگو و ملاقات او با پوتین تشکیل میداد. تصویری که کرزی از حضور و خطر داعش در افغانستان ارائه کرد، حساب شده، جالب و قابل توجه بود. حامد کرزی به پوتین گفت: «داعش ریشه در میان مردم افغانستان ندارند، از ما نیستند و هیچ ربطی به کشور ما ندارند. در این شکی نیست که ظهور ناگهانی آنها مدیون حمایت های خارجی است.»

آیا تصویر کرزی از احتمال وجود داعش در افغانستان که در واقع آنها را فاقد پذیرش اجتماعی و بی ریشه در جامعه افغانستان تلقی می کند، تصویر درست است؟ دیدگاه و تصویر کرزی در تمام سالهای زمام داری اش از طالبان نیز، دیدگاه و تصویر مشابه بود که اکنون از داعش ارائه می کند.

کرزی از طالبان به عنوان یک گروه تروریستی انکار می ورزید و تروریزم طالبانی را، تفکر بر خاسته از خارج می دانست و حتی تروریستان انتحاری را نه متعلق به جامعه افغانستان، بلکه اتباع کشورهای دیگر معرفی می کرد. در حالی که طالبان و تفکر طالبانی بخشی از تفکر فرهنگی و اجتماعی در جامعه افغانستان بودند و هستند و بیشترین افراد انتحار گر طالبان هم متعلق به جامعه افغانستان و اتباع کشور خود مان هستند. امروز و فردا اگر داعش در این جا ظهور و حضور می یابد، زمینه و بستر ظهور آنها، جامعه و فرهنگ اجتماعی افغانستان است. همان طالب تروریست به داعش تروریست تبدیل می شود.

رو بهمرفته، صدای کرزی برای پوتین و در فضای کنونی تشنج با امریکا و غرب که در کرملین عقده های حقارت فروپاشی امپراتوری روسیه (اتحاد شوروی سوسیالیستی) را به دل دارد و با غربی ها در حال شاخ به شاخ شدن است، خوش آیند بود. اما این ملاقات و این صدا در کرملین از سوی رئیس جمهور پیشین افغانستان حامد کرزی که در جوار ارگ کابل با تشکیلات و تشریفات مشابه با رئیس جمهور برحال قدرت نمایی دارد، حامل و عامل چه پیام و اهدافی می تواند باشد؟

آیا کرزی که سیزده سال با زور و زر امریکا در ارگ کابل زمامداری کرد، حالا در صد بر گشت به تخت ارگ، با زور و زر کرملین و متحدانش چون جمهوری اسلامی ایران

است؟ و آیا کرزی در این سناریوی که شاید برای بازگشت خودش به ارگ نوشته باشد، طالبان را هم به عنوان متحد خودش در همراهی با مسکو و تهران مورد توجه دارد؟ موقف امریکایی ها و ولی نعمتان غربی کرزی در این بازی چه خواهد بود؟